

مأموریت آموزش و پرورش تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان است (مبتنی بر ساحت‌های تعلیم و تربیت). با توجه به این مأموریت سؤال این است که چگونه می‌توان این تربیت همه‌جانبه را در مدرسه پیاده کرد؟ در مدرسه‌های ابتدایی، چون معلم محور همه فعالیت‌های دانش‌آموزان است، این رویکرد به‌طور طبیعی دنبال می‌شود. اما در مدرسه‌های متوسطه اول و دوم، چون معلمان متعدد درس‌های گوناگونی را تدریس می‌کنند، تربیت همه‌جانبه یکی از چالش‌هاست. در بعضی مدرسه‌ها برای حل این چالش از طرحی به نام «معلم راهنمای پایه» بهره می‌گیرند. در این میزگرد، درباره همین موضوع تبادل نظر شده است.

نیست. معلم راهنما هیچ کدام از این‌ها نیست، اما در عین حال ترکیبی از همه این‌هاست. معلم راهنما آسیب‌ها را می‌بیند و تلاش می‌کند آن‌ها را حل کند. معلم راهنما مشاور مدرسه نیست، چراکه مشاور در دفترش می‌نشیند و دانش‌آموزانی که مسئله‌ای دارند به او مراجعه می‌کنند، اما معلم راهنما در کنار بچه‌هاست و با آن‌ها زندگی می‌کند.

محمد قربانعلی، دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت: ما در مدرسه‌های متوسطه اول و دوم با تعداد زیادی معلم روبه‌رو هستیم که هر کدام ویژگی‌های خاصی از یک دانش‌آموز را می‌بینند و کسی نیست که همه این‌ها را با هم ببیند. در کنار این، وضعیت خانوادگی، زنگ تفریح و زنگ ورزش را هم در نظر بگیرید. معلم راهنما اولین کارش این است که اطلاعات متعددی را از معلم‌های متفاوت داشته باشد و در کنار همه آن‌ها شناخت کل‌گرای نسبت به دانش‌آموز داشته باشد. شناخت بچه‌ها اولین گام معلم راهنماست. کتاب «مهارت‌های شناخت دانش‌آموزان در مدرسه» به معلم راهنما کمک می‌کند بداند چگونه این شناخت را از دانش‌آموزان پیدا کند.

وکیلی: من بعضی از وظایف تخصصی معلم راهنمای پایه را عنوان می‌کنم: شناسایی نقاط قوت و ضعف معلم، بازدید از کلاس‌ها، ارزیابی نظری کمی و کیفی تدریس با هماهنگی گروه‌های درسی، نظارت بر نظام تشویق و تنبیه در مدرسه، شرکت

سیدحسین وکیلی، معاون آموزشی مجتمع معلم: تعامل بین افراد اثرگذار در مدرسه همواره با چالش‌هایی همراه است. مدیر مدرسه برای هر فرد در سمت خاص شرح وظایفی را مشخص می‌کند، اما تربیت یکپارچه‌نگر را کمتر داریم. ما در مجتمع معلم، افرادی را برای سمت معلم راهنمای پایه انتخاب می‌کنیم که توانایی این مأموریت را داشته باشند.

رضا دورانی، مدیر متوسطه اول مجتمع معلم: در دبستان متولی امر آموزش و تربیت تقریباً مشخص است. اما در دوره‌های متوسطه اول و دوم، فردی که متولی تربیتی باشد، نداریم و این شرایط به نداشتن شناخت نسبت به دانش‌آموزان منجر می‌شود. در نتیجه یک نسخه آموزشی و تربیتی عمومی برای همه نوشته می‌شود. در حالی که از مهم‌ترین موارد، در نظر گرفتن اقتضائات و ویژگی‌های هر دانش‌آموز است. وجود فردی که در ابعاد گوناگون با دانش‌آموز زندگی کند و با او ارتباط بگیرد، به شناخت بهتر دانش‌آموز و در نتیجه برنامه‌ریزی بهتر برای او خواهد انجامید.

محسن صنایع‌پسند، معلم راهنمای دوره متوسطه دوم: من ۲۹ سال است با مدرسه‌ها در ارتباط هستم و در دوره‌های متوسطه دوم معلم راهنما بودهام. به نظرم، معلم راهنما مدیر مدرسه نیست. معلم راهنما معاون آموزشی نیست. معلم راهنما معاون پرورشی نیست. ناظم مدرسه نیست. معلم درس



محسن صنایع‌پسند



سید حسن وکیلی

در جلسات شورای مدرسه، شرکت در جلسات گروه‌های آموزشی، تلاش برای زدودن و رفع مشکلات معلم و شاگرد، ایجاد جو دوستی با معلم‌های پایه.

در ارتباط با خانواده، وظایف می‌تواند شامل شناخت وضعیت عمومی خانواده، شغل والدین، وضعیت اقتصادی و فرهنگی آن‌ها، اعتقاداتشان، روابط پدر و مادر، اوقات فراغت خانواده، میزان توجه والدین به فرزندانش و روش‌های تربیتی خانواده باشد.

در حوزه دانش‌آموز هم معلم راهنما وظایفی دارد، از جمله: شناخت عمومی از مراحل رشدی دانش‌آموز که شامل رشد جسمانی، شخصیتی، اجتماعی و شناختی است. معلم راهنما در همان جلسه اول می‌تواند این ابعاد رشدی را بررسی کند، وضعیت بلوغ دانش‌آموز را بشناسد، به وضعیت نظافت و ظاهر او توجه کند و علاقه‌ها و استعدادها دانش‌آموز را بشناسد.

دورانی: با نگاه عملیاتی چهار نکته را می‌گوییم: نکته اول، ارتباط بین دانش‌آموز و معلم راهنماست. دانش‌آموز و معلم راهنما باید با حفظ جایگاه با هم دوست باشند. ما نسخه‌های زیادی از افرادی داریم که تجربه زیادی دارند، اما چون نتوانستند با دانش‌آموز دوست شوند، معلم راهنما نشدند.

نکته دوم ارتباط معلم راهنما و خانواده است. دیده می‌شود، مدرسه و خانواده مقابل هم هستند، در حالی که معلم راهنما و خانواده باید در کنار هم باشند تا بتوانند مشکل دانش‌آموز را حل کنند.

نکته سوم، چالش بین معلم راهنما و دیگر همکاران مدرسه است. ممکن است معلم راهنما و کارکنان مدرسه در مورد موضوعی درباره یک دانش‌آموز نظرهای متفاوتی داشته باشند. در این مواقع، به نظر بنده باید در اجرا به معلم راهنما اعتماد کنیم، چرا که او دانش‌آموز را می‌شناسد. اجازه بدهیم معلم راهنما در نهایت تصمیم بگیرد.

نکته چهارم، انتخاب معلم راهنما توسط مدیر مدرسه است. مدیر باید در انتخاب معلم راهنما خیلی دقت کند، چرا که معلم راهنما الگوی دانش‌آموز می‌شود.

صنایع پسند: معلم راهنما بودن یک سمت سازمانی نیست. اولین شرط معلم راهنما شدن دغدغه‌مندی است. بنابراین نباید به‌عنوان کاری اداری به آن نگاه کنیم.

بحث دیگر رابطه معلم راهنما با همکاران و مدیر است. یکی از الزامات کار معلم راهنما، شرکت در شورای مدرسه است. ممکن است معلم راهنما با دیگر همکاران نظر متفاوتی داشته باشد. در این صورت شورای مدرسه باید این مسئله را حل کند و تجربه‌ها را به اشتراک بگذارند.

زمانی که ما مدرسه می‌رفتیم، جامعه ساده‌تر بود. در حال حاضر که مسائل و مشکلات بچه‌ها نسبت به قبل بیشتر و پیچیده‌تر شده‌اند، می‌توانیم از گروه معلم راهنما استفاده کنیم. این گروه شامل سه معلم است: اولی معلمی با سابقه کار بیشتری است که مسائل را می‌شناسد و خبره است. دومین معلم کسی است که سابقه کمتری دارد و سومین نفر کسی است که تازه شروع به کار کرده و دستیار است. مثلاً کلاس‌بندی و برگزاری امتحان را بر عهده دستیار بگذاریم. فعالیت‌های جمعی مثل شرکت در شورای دانش‌آموزی به عهده نفر دوم و تحلیل آن به عهده کسی است که خبره است.

دکتر محبی: طرح معلم راهنما به شیوه‌های متعددی در مدرسه‌های غیردولتی اجرا شده است، اما در ساختار دولتی معاون پرورشی و آموزشی داریم. چگونه می‌توانیم سازمان مدرسه را بر اساس سند تحول بازطراحی کنیم تا بتوانیم از معلم راهنما در مدرسه‌های دولتی هم استفاده کنیم؟

وکیلی: به نظرم در مدرسه‌های دولتی، با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای، برای هر پایه یک معلم راهنما داشته باشیم و این سمت به سمت معلم راهنما در مدرسه تبدیل شود. حتی اگر یک نفر این سمت را داشته باشد، مدیر در کنار او از نیروهای کمکی هم استفاده کند. ما باید نیروی متخصص داشته باشیم. اگر آموزش و پرورش در این راه هزینه کند، به نظرم سرمایه‌گذاری کرده است.

دورانی: در حوزه مدرسه‌های غیردولتی، با تغییر در ساختار، افرادی را به معلم راهنما تزریق کنیم تا یک تیم شوند. در مدرسه دولتی، مدیر می‌تواند از معاون‌ها (آموزشی و پرورشی) برای هر پایه استفاده کند. می‌توانیم از معاون پرورشی بخواهیم با حفظ سمت معاون پرورشی، معلم راهنمای پایه هفتم هم باشد. این ممکن است اما درمان این است که ساختار تغییر کند.

صنایع پسند: به دو شکل می‌توان این کار را انجام داد. یکی نگاه از بالا است که البته تغییر ساختارها خیلی طول می‌کشد و نگاه دیگر این است که از پایین شروع کنیم. مدیر می‌تواند در حدی که می‌تواند این فرایند را اصلاح کند.

قربانعلی: معلم راهنما بودن یک رسالت است. بیش از اینکه بخواهیم موارد بودجه‌ای و نگاه سخت‌افزاری را مانع وجود او در مدرسه‌های دولتی بدانیم، باید این دغدغه وجود داشته باشد و افراد دغدغه‌مند گام به گام شناسایی شوند.



محمد قربانعلی



رضا دورانی

عکاس: غلامرضا پنهانی